

شهروند و محیط زیست

نوشته کلود ویلنوو

هر شهروند چه کمکی می‌تواند به حفاظت از نظامهای حامی زندگی در سیاره زمین بکند.

شد تا ضمن برآوردن نیازهای نسل کنونی از منافع نسل آینده نیز محافظت شود. چنین چیزی مبارزه‌ای هیجان‌انگیز برای افراد و جوامع است و باید سریعاً صورت گیرد. چون مسامحه، تصمیم‌گیری را مشکل‌تر خواهد ساخت.

کهنگی در درون

افزایش چشم‌گیر تولید صنعتی پس از جنگ جهانی دوم، شرایط زندگی را در جهان بهبود بخشید و در عین حال بازار کالاهای مادی را رونق بخشید. صنعت با ارائه فرآورده‌های مصنوعی به قیمت مناسب، بازاری انبوه فراهم آورد. کالای بیشتری با قیمت کمتر به بازار آمد، مشاغل آفریده شد و بر قدرت خرید افراد افزود. عرضه مشوق تقاضا شد.

این وضع نمی‌توانست دوام داشته باشد. برای تداوم تقاضا در درون فرآورده‌ها اجزایی کهنه و منسوخ شده قرار داده شد. شگردهای تبلیغاتی و بازاریابی که تصویری پرزرق و برق از این فرآورده‌ها ارائه می‌داد، بی‌اندازه موفق بود. با وجود این انباشت مالکیت رضایت ایجاد نمی‌کند و خود نیز

دانشمندان معاصر انبوهی از گزارشها، فرضیه‌ها و مشاهدات مبنی بر به خطر افتادن ظرفیت بالقوه توسعه جهان، در اثر تهاجم مداوم انسان، ارائه می‌دهند. حتی گفته می‌شود که بقای نوع بشر به مخاطره افتاده است. فرد عادی که در برابر چنین مسائلی در ارتباط با سیاره قرار می‌گیرد، حضور چهارسوار سرنوشت را احساس می‌کند.

ما تأثیر فرآورده‌های جانبی همان تکنولوژی‌هایی را که زندگی ما را طولانی‌تر کرده و کیفیت آن را بهبود بخشیده‌اند، احساس می‌کنیم. در حالی که خود بانی و در عین حال قربانی تخریب محیط زیست هستیم، با شگفتی میزان پیچیدگی و شکنندگی جهان را در می‌یابیم.

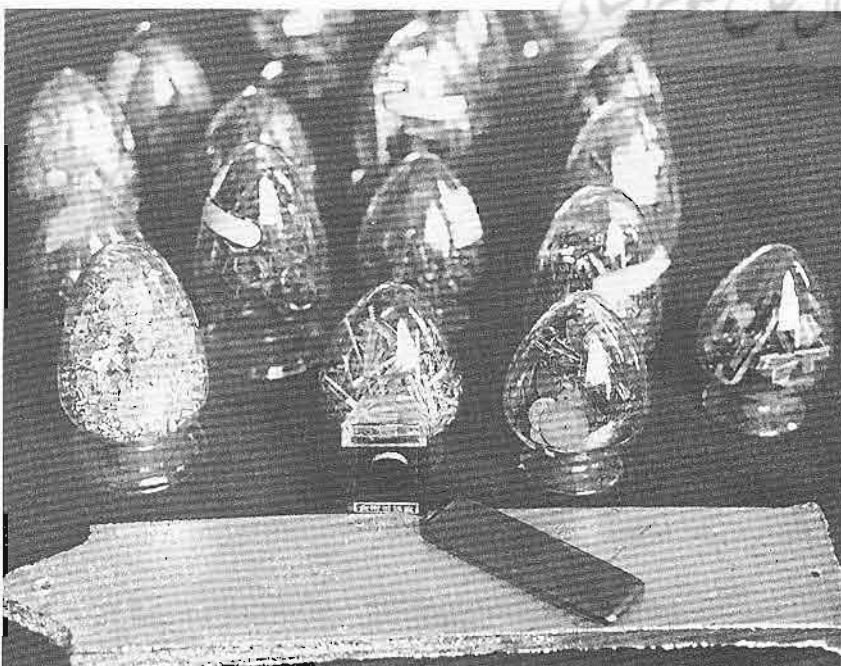
دگرگونی‌های تحمیلی ما بر زیست کره به قدری وسیع است که برای جلوگیری از اثرات فاجعه‌آمیز آنها و ممانعت از روبه‌رو شدن نسل آینده با مشکلاتی لاینحل، اقداماتی عاجل مورد نیاز است. یک فرد عادی در زندگی روزانه به جای وخیم‌تر کردن اوضاع، برای حل این مسایل چه می‌تواند بکند؟

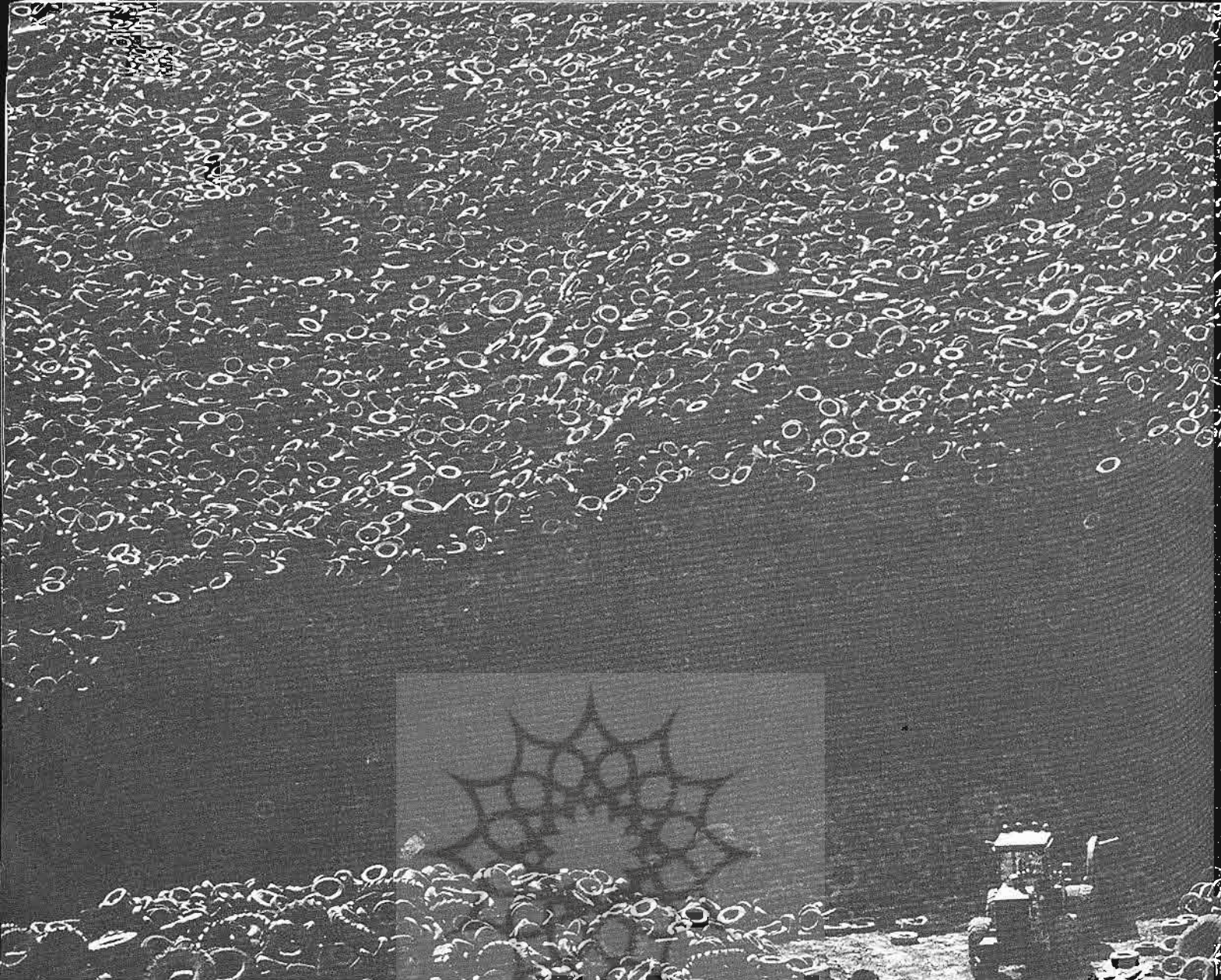
توسعه پایدار چیست؟

بسیاری از مسایل محیط زیست، بعدی جهانی دارند، مرزها و محدوده‌های علمی را نمی‌شناسند و مسؤولیت افراد و ملتها را در هم می‌ریزند.

تکنولوژی معاصر نسبت به تکنولوژی چند دهه قبل خیلی پیشرفته‌تر است، ولی بطوری جدی به نهایت حد خود نزدیک شده است. برای پیشرفتهایی فوق‌العاده محدود در تولید کالا و مبارزه بر ضد آلودگی تلاشهای زیادی مورد نیاز است. علاوه بر این جمعیت جهان با سرعت زیادی رو به افزایش است و انتظارات مصرف‌کننده تحت تاثیر تبلیغات وسایل ارتباط جمعی روز به روز بیشتر می‌شود. با وجود این که منابع زیست کره قابلیت توسعه زیادی دارد، ولی تولید آن در آینده‌ای نزدیک و قابل پیش‌بینی به نهایت خواهد رسید. توسعه پایدار در اثر مدیریت مسؤولانه منابع ایجاد خواهد

زیر: فلزاتی قیمتی که در تصفیه خانهای واقع در شانگهای (چین) از زباله‌ها استخراج شده است.





نمی‌تواند هدف باشد.

از طرف دیگر، تولید کالاهای بی‌دوام، اسراف انرژی و منابع طبیعی است و برای محیط زیست نیز انبوهی زباله زیان‌آور بر جای می‌گذارد. مثلاً هر شهروند آمریکایی در سال یک تن زباله خانگی تولید می‌کند. امروزه، در جوامع پیشرفته مصرفی، این مقدار زباله، که بخش بزرگی از آن لفاف بسته‌بندی‌های غیر قابل استفاده است، یکی از مهمترین مسایل محیط زیست را ایجاد کرده است.

شاید یک شهروند بتواند بهترین کمک را در مبارزه با آلودگی محیط زیست با کاهش مقدار زباله‌های خانگی به عمل آورد. او می‌تواند با انتخاب فرآورده‌هایی که بسته‌بندی کمتری دارند یا کمتر آلوده‌ساز هستند بر دیدگاه‌های صنعت تاثیر گذارد.

اتومبیل‌ها از جمله مهمترین فرآورده‌های استهلاک‌پذیر جامعه مصرفی هستند و بسیاری از مسایل و مشکلات محیط زیست به تولید و استفاده روزافزون از آنها بستگی دارد. برای مثال برآورد شده است که در آمریکای شمالی ۴۰ درصد مصرف انرژی به اتومبیل‌ها اختصاص دارد. استفاده کمتر از اتومبیل یکی از اولین توصیه‌ها به هر شهروند در

جهت کاهش فشار وارده بر محیط زیست است.

در حال حاضر جمعیت جهان حدوداً ۱۷۰ نفر در هر دقیقه افزایش می‌یابد، یعنی جمعیتی معادل جمعیت کنونی کشور کانادا در هر سه ماه به جمعیت جهان افزوده می‌شود. متخصصین محیط زیست از این افزایش به هراس افتاده‌اند و هراس آنها بی‌مورد نیست.

تعهد اخلاقی نسبت به تامین غذا، پوشاک و مسکن برای همه این افراد بر هر چیز دیگری تقدم دارد. در حال حاضر به سبب تقسیم نامساوی منابع طبیعی چنین چیزی به درستی انجام نمی‌گیرد. علاوه بر آن هر فرد مسایل است از مزایای جامعه مصرفی جهان صنعتی برخوردار باشد. متأسفانه با در نظر گرفتن اطلاعات بوم‌شناختی موجود، به نظر نمی‌رسد که بتوان مقدار مصرف منابع طبیعی موجود در آمریکای شمالی و اروپا را در سراسر گیتی تعمیم داد.

بسیاری از نویسندگان از جمله رنه دومون، گیاه‌شناس فرانسوی، خاطر نشان می‌سازند که اگر قرار باشد میزان مصرف انرژی در همه نقاط جهان معادل میزان مصرف انرژی در آمریکای شمالی گردد، باید تولید نفت به سه برابر، گاز طبیعی به هفت برابر و ذغال سنگ به دوبرابر افزایش

این توده لاستیک در یک زباله - دانی در وستلی، کالیفرنیا (آمریکا) به عنوان سوخت جهت تولید الکتریسیته مورد استفاده قرار خواهد گرفت. یک حلقه لاستیک می‌تواند انرژی مورد نیاز یک روز خانه‌ای متوسط در کالیفرنیا را تامین کند.

تلاش برای کسب سواد زیست محیطی

و بالاخره باید تلاشی بدون وقفه در سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی برای آموزش مردم در رابطه با محیط زیست انجام گیرد تا همه افراد بتوانند مسؤولیت حفاظت از نظامهای حمایت‌کننده زندگی بر روی زمین را برعهده گیرند.

حقیقت این است که همه ما باسوادان بی‌سواد هستیم. بسیاری از نظامهای آموزشی، تحت تاثیر رقابت، به جای مغزهای آگاهی که میشل دومونتتی در مقاله‌هایش آنها را تحسین کرده، مغزهایی انباشته شده تحویل می‌دهند. دانش ما کاملاً تخصصی شده و این تخصص‌ها بین افرادی که ممکن است در زمینه‌های آگاهی داشته و در زمینه‌های دیگر عملاً بی‌اطلاع باشند تقسیم می‌شوند. بسیاری از تصمیم‌گیرندگانی که امروز مصدر کار هستند، در نظامهایی آموزش دیده‌اند که برای اکتشافات خارج از برنامه درسی جایی باز نگذاشته‌اند. شهروندان نیز اطلاعات محدودی درباره فرآیندی که امکانات زیستی را در اختیار آنها قرار می‌دهد دارند.

با وجود این، اقدام آگاهانه در مورد مسایل محیط زیست نیاز به این دارد که اطلاعات پایه‌ای درباره نحوه کار اکوسیستم و آگاهی از جایگاه انسان در زیست کره موجود باشد. آموزش زیست محیطی یکی از کلیدهای اصلی تداوم توسعه است: راهی به سوی سواد زیست محیطی و در عین حال حامی جهت ایجاد اخلاق جدید که برای ارائه تعریف مجددی از ارتباط بین انسان و زیست کره لازم است. بنابراین باید آموزش محیط زیست از طریق مدارس و مؤسسات آموزشی دیگر در اختیار عموم قرار گیرد تا شهروندان و مسؤولان بتوانند به تصمیم‌گیری بعدی اکولوژیکی بدهند.

این کار باید با قبول این حقیقت که ظرفیت زیست کره محدود است و اعمال انسان می‌تواند آن را در سطح محلی و جهانی به زیان سلامت و تندرستی انسان تغییر دهد آغاز گردد. مریان باید خاطر نشان سازند که رشد هر فرد به وضع محیط زیست وی بستگی دارد و هیچ نسلی نمی‌تواند به خود اجازه تخریب عناصر ضروری بقای نسل بعدی را بدهد. تلاش در راه تداوم توسعه ممکن است بهترین موضوعی باشد که با آن روبه‌رو هستیم. ما اکنون ابزار علمی شگفت‌آوری برای پیش‌بینی تحولات زیست محیطی در اختیار داریم. آیا آنقدر عاقل خواهیم بود که از وقوع فاجعه‌ای جلوگیری کرده و در عین حال برای بهبود کلی وضع زندگی انسان کوشش کنیم؟ یا اینکه الگوهای اقتصادی قبولانده شده به ما که حاکی از این است که در دنیایی فانی زندگی می‌کنیم، ما را به سوی بحران سوق خواهد داد؟ اینها پرسشهایی هستند که علم نمی‌تواند پاسخگویشان باشد. هریک از ما باید خود پاسخش را پیدا کند. ■



یابد و تعداد نیروگاههای اتمی نیز ۶۰ برابر گردد. این چشم‌انداز وحشت‌انگیز ما را به تجدیدنظر در برآورد مدت دوام سوخته‌های فسیلی وامی‌دارد. ضمناً آلودگی حاصله از تولید و استفاده منابع انرژی مورد نیاز برای چنین کاری، بر میزان بارانهای اسیدی، گازهای گلخانه‌ای و زباله‌های اتمی به حد غیرقابل تحملی خواهد افزود.

با وجود این، هریک از افراد نوع بشر باید از حق زندگی و رفاه و امنیت برخوردار باشند. بنابراین توسعه مداوم باید با کاهش رشد جمعیت در نقاطی که این میزان بالا است توأم باشد، چه در کشورهای غنی و چه در کشورهای فقیر.

کنترل میزان رشد جمعیت در مرحله اول، در مهمترین مرحله به تک تک افراد بستگی دارد ولی باید از طرف اجتماع نیز از آن حمایت شود. جامعه باید قبل از تشویق والدین در به دنیا آوردن کودکان جدید، در آموزش و رفاه کودکانی که پا به عرصه گیتی نهاده‌اند، بکوشد.

کودکان در مدرسه علوم جنگلداری هندوراس واقع در جاگویت گراند، آموزش درختکاری و نگهداری از درختان را می‌بینند. این مدرسه در سال ۱۹۶۹ به کمک برنامه توسعه سازمان ملل و سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی سازمان ملل تأسیس شده است.

کلود ویلانو و زیست‌شناس کانادایی الاصل که در مرکز اکولوژیکی نک-سن-ژان در کبک مشغول به کار است، او با چندین سازمان اکولوژیکی همکاری داشته و آثاری در مورد زندگی حیوانات و محیط زیست، آموزش محیط زیست، تداوم توسعه و گرم شدن جهان منتشر کرده است.